

رضایت «ارکان مدرسه» از بازگشایی به شیوه کنونی

مجید علیپور

کافیست در فضای مجازی یا در گفت‌وگوهای حقیقی دوستانه، اشاره‌ای به موضوع تعطیلی مدارس شود؛ آنگاه خواهیم دید که بیش از آنکه صحبت‌ها پیرامون خطرات کرونا و پیامدهای ناگوار بازگشایی مدارس باشد؛ جملاتی سرشار از ابراز احساسات و بیان دلتنگی و حسرت از محروم ماندن بچه‌ها از فرصت باهم بودن و یا تنزل کیفیت آموزش در دوره مجازی می‌شنویم.

از شواهد پیداست که بعد از یکسال و اندی تعطیلی مدارس و مراکز آموزشی، بازگشایی مدارس جزو دغدغه‌ها و مطالبات قریب به اتفاق معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها شده است. شاهد این مدعا روند رو به افزایش مراجعات حضوری یا تماس‌های تلفنی خانواده‌ها برای پیگیری زمان و چگونگی بازگشایی مدارس است. به نظر می‌رسد هر سه گروه دخیل در امور مدرسه (معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها) از تعطیلی طولانی‌مدت مدارس خسته و مستأصل شده‌اند و بسیاری از آنها تمایل به پایان پذیرفتن هرچه سریع‌تر این وضعیت دارند. جالب آنکه تقاضاها و پیگیری‌های دانش‌آموزان بیش از سایر گروه‌هاست و به دفعات از معلمان یا کادر مدرسه پیگیر بازگشایی مدارس شده‌اند. هرچند خسته شدن از یک وضعیت، توجیه محکمه‌پسندی برای تغییر استراتژی‌های مدیریت بحران نیست اما روشن است که بی‌عملی و انفعال را هم نمی‌توان راه‌حلی برای عبور از بحران دانست.

سیاست درپیش گرفته‌شده از سوی آموزش‌وپرورش برای بازگشایی مدارس در سال تحصیلی جاری، روش پسندیده و قابل‌تقدیری بود. به نظر می‌رسد همان‌گونه که معلمان و دبیران دلسوز ایرانی، پیش از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی متوجه ظرفیت فضای مجازی برای تداوم تدریس شدند و از همان نخستین روزهای اسفند 1398 از تعطیلی جریان آموزش در کشور جلوگیری کردند؛ این بار نیز وزارت آموزش‌وپرورش است که با اتخاذ سیاستی قابل دفاع، آموزش حضوری را از مدارس روستایی، عشایری و کم‌جمعیت آغاز و در ادامه، بازگشایی مدارس پرجمعیت را به تشخیص مدیران و شوراهای مدارس واگذار کرد تا هر مدرسه بنا بر شرایط ویژه و خاص خود، وارد گفت‌وگوی اقناعی با خانواده‌ها شده و

روند بازگشایی را مدیریت نماید. تفویض اختیار به مدیران مدارس و نقش‌آفرینی مؤثر شورای مدرسه در این خصوص، اتفاق مبارکی است که می‌بایست آن را به فال نیک گرفت و با اطمینان می‌توان ادعا کرد که در آینده نیز می‌توان به نتایج این اعتماد به مدارس، در سایر امور آموزشی و تربیتی نیز استناد کرد. از همین روست که بسیاری از معلمان و مدیران مدارس از این‌که گوش‌شنوایی در وزارتخانه پیدا شده و مدیریت بازگشایی را به خود مدارس سپرده‌اند راضی و خشنودند. چراکه حتی یک مطالعه میدانی ساده هم ثابت می‌کند که وضعیت مدارس در نقاط مختلف کشور و یا حتی یک شهرستان و ناحیه با دیگر مدارس آن شهر و ناحیه متفاوت است و نمی‌توان نسخه‌ای واحد برای همه آن‌ها تجویز کرد. چنانکه در سال تحصیلی گذشته شاهد صدور چندین دستور به‌ظاهر قاطع از طرف وزیر وقت آموزش‌وپرورش برای بازگشایی کلیه مدارس کشور بودیم اما همه آن مصاحبه‌های محکم و دستورات عتاب‌آلود خطاب به مدیران ارشد استانی و شهرستانی، نهایتاً به دیوار سخت بی‌اعتمادی و بی‌تفاوتی خانواده‌ها برخورد کرد و کاری از پیش نبرد. چه بسا اگر آن تمرکزگرایی بی‌وجه، دستوری و عتاب‌آلود در سال تحصیلی گذشته در پیش‌گرفته نمی‌شد و چنان نتایج م‌ی‌س‌کننده‌ای به بار نمی‌آورد، امکان بازگشایی زودهنگام مدارس از نیمه دوم شهریورماه هم به وجود می‌آمد و می‌شد بازگشایی مدارس را با همین روند آرام و تدریجی و به شکل به‌مراتب بهتری به پیش برد.

شروع بازگشایی مدارس از مناطق روستایی و عشایری که دچار محرومیت و نابرخورداری بیشتری از لحاظ دسترسی به امکانات فضای مجازی هستند، اعتماد به نفس از دست‌رفته مسئولان و نگرانی‌های ایجاد شده در خانواده‌ها و کارشناسان را به میزان زیادی تعدیل و ثابت کرد می‌توان هم از ترک تحصیل یا محرومیت جمعیت بزرگی از دانش‌آموزان از مزایای آموزش حضوری جلوگیری کرد و هم از دامن زدن به موج‌های بعدی کرونا در کشور کاست. به‌هر روی همچنان می‌بایست سلامت و جان افراد جامعه، اولویت اصلی سیاست‌گذاران و مدیران خرد و کلان نظام آموزشی باقی بماند و به هیچ رو نسبت به آن مسامحه و ساده‌انگاری صورت نگیرد.

به‌ویژه آنکه در آغاز ماه‌های سرد قرار داریم و چه بسا سهل‌انگاری در این خصوص باعث بروز موج جدیدی از بیماری و یا دامن زدن به نگرانی خانواده‌ها شود و در نتیجه بازگشایی مدارس با زهم به زمانی دیگر موکول گردد.»

منبع: روزنامه رسالت 1 آذرماه 1400 خورشیدی